



بهشت موعودی که جهنم شد

آوی شلایم در کتاب ۳ دنیا، دست‌های پشت پرده پروژه صهیونیسم را افشا می‌کند

خاطرات

راضیه خوئینی

گروه کتاب

برخوردار بودند، آنان در رفاه کامل زندگی می‌کردند. اما روزگار خوش آن «بهشت» برای یهودیان پایدار نماند؛ زیرا پس از تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، سیاست‌های پشت پرده با تلاش مقامات صهیونیستی به‌گونه‌ای رقم خورد که یهودیان کشورهای عربی و آفریقایی همراه یهودیان اروپایی جذب سرزمین‌های اشغالی شوند. سیاستی که هدفش افزایش جمعیت یهودیان در مقابل ساکنان و مالکان فلسطین بود تا جمعیت اقلیتی یهودیان به اکثریت غالب تبدیل شود. بخش مفصلی از کتاب به این موضوع اختصاص دارد که نشان دهد این سیاست‌ها تلاشی برای تثبیت هژمونی «اشکنازی‌ها» بوده؛ سیاستی که دموکراسی را فقط برای یهودیان به ارمان می‌آورد و فلسطینی‌هایی که بخش عمده‌ای از جمعیت سرزمین‌های اشغالی را تشکیل می‌دادند، از حقوق برابر محروم می‌کرد. نویسنده پس از آن که با خانواده‌اش در سال ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت می‌کند بخشی از ماجراها را از قول مادر و مادرز زرخش نقل می‌کند. دنیای سوم نویسنده اما در لندن است؛ جایی که سال‌هاست به آموزش‌های دانشگاهی و دبیرستانی مشغول می‌شود و در بازدید از کشورهای اروپایی، معنای واقعی دموکراسی را به تجربه و از نزدیک درک می‌کند. از این منظر، اگرچه وطنش را دوست دارد، اما بشدت منتقد سیاست‌های کنونی اسرائیل است.

همایونپور، مترجم کتاب، مطالب مذکور را به صراحت مطرح کرده است. در مجموع شلایم دنیاهای اول و دوم خود یعنی عراق و بریتانیا را دوست دارد اما از دنیای دوم یعنی زندگی در سرزمین‌های اشغالی بسیار سرخورده است.

این کتاب توصیفی دست اول از تشکیل دولت‌های عراق و سوریه و سیاست‌های استعماری انگلیس و فرانسه در زمان قیمومت آنها بر این دو خطه است. مترجم برای روشن‌تر شدن ماجرا می‌نویسد: «در پایان کتاب مقاله‌ای با عنوان «این ششمین و مرگبارترین حمله اسرائیل به باریکه غزه است» را افزودم تا دیدگاه‌ها و اصول منطقه‌ای شلایم بهتر شناخته شود. مقاله‌ای که مواضع اسرائیلی‌های ضدصهیونیست را آشکار کرده و ثابت می‌کند ادعاهای نتانیاهو و محترم بغداد بوده و با مقامات بلندپایه دولتی، دوستی و رفت‌وآمدی دیرینه داشته است. در دورانی که یهودیان همانند سایر اقلیت‌های مذهبی در عراق از حقوق برابر

کتاب نوشته است: «امروزه جامعه یهودی مستقر در عراق که زمانی بیش از ۱۳۰ هزار نفر بودند و تاریخ‌شان به ۲۶۰۰ سال پیش بازمی‌گردد، تقریباً ناپدید شده‌اند.» هستینگز دلیل این ماجرا را درگیری‌های دائمی میان تمدن‌های عرب و یهودی و مأموریت قهرمانانه صهیونیسم برای نجات یهودیان شرقی از کشورهای عقب‌مانده و آزار و اذیت بی‌وقفه آنان دانسته ولی آوی شلایم ادعاهای هستینگز را کاملاً نقض می‌کند و در کتابش به شکلی ملموس پرده از حقیقت برمی‌دارد. چرا که والدین او، دوستان مسلمان زیادی در بغداد داشتند و هیچ علاقه‌ای به صهیونیسم و مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی نداشتند. شلایم

تقریباً فراموش شده می‌بخشد. کتاب «۳ دنیا» با در هم آمیختن خاطرات شخصی و مسائل سیاسی، دیدگاهی تازه درباره اعراب یهودی ارائه می‌دهد؛ یهودیانی که برخلاف میل باطنی به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کردند و همچنان در آتش متقابل صهیونیسم و ناسیونالیسم گرفتار هستند.

نگاه مفسران به ۳ دنیا

هفته‌نامه «اسپکتاتور» درباره کتاب «۳ دنیا» نوشت: «در قلب این کتاب گِیرا و بشدت بحث‌برانگیز، تحقیقات شلایم درباره بمب‌گذاری‌های بغداد علیه اهداف یهودی در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ قرار دارد. کتاب با قلمی زیبا نوشته شده و به شکلی هنرمندانه



دنیای ۳

خاطرات یک عرب یهودی

- نویسنده: آوی شلایم
- مترجم: هرمز همایونپور
- انتشارات: نشر فرزانه روز
- تعداد صفحه: ۳۲۰ صفحه
- قیمت: ۳۵۰ هزار تومان

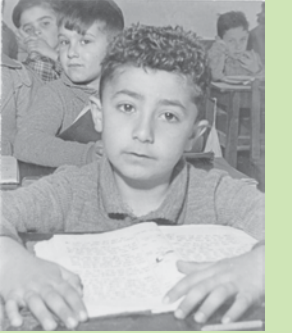
همچنین گروه‌های زیرزمینی صهیونیستی را از عاملان اصلی افزایش یهودستیزی در عراق و (بمب‌گذاری‌های سال ۱۹۵۱-۱۹۵۰ علیه یهودیان مستقر در عراق) می‌داند؛ همان افرادی که هیزم بیشتری برشله‌های اختلافات میان اعراب و یهودیان می‌ریختند. با این حال، وقتی یهودیان عراقی به اسرائیل گریختند، با آینده‌ای نامعلوم مواجه شدند و تاریخ برای خوش خدمتی به صهیونیست‌ها روایتی تحریف شده را بازنویسی کرد. قطعاً کتاب خاطرات شلایم جانی دوباره به دنیایی

همچنین گروه‌های زیرزمینی صهیونیستی را از عاملان اصلی افزایش یهودستیزی در عراق و (بمب‌گذاری‌های سال ۱۹۵۱-۱۹۵۰ علیه یهودیان مستقر در عراق) می‌داند؛ همان افرادی که هیزم بیشتری برشله‌های اختلافات میان اعراب و یهودیان می‌ریختند. با این حال، وقتی یهودیان عراقی به اسرائیل گریختند، با آینده‌ای نامعلوم مواجه شدند و تاریخ برای خوش خدمتی به صهیونیست‌ها روایتی تحریف شده را بازنویسی کرد. قطعاً کتاب خاطرات شلایم جانی دوباره به دنیایی

بمب‌گذاری صهیونیست‌های زیرزمینی ➡ برش‌هایی از ۳ دنیا

دیدند که ماندن دیگر خیلی سخت است. صهیونیست‌ها با بمب‌اندازی حادثه پشت حادثه خلق کردند و به یهودیان هشدار دادند که عجله کرده و کشور را ترک کنند قبل از آن که خیلی دیر شود. تا پایان سال بیشتر از نود هزار یهودی برای از دست دادن ملیت عراقی‌شان ثبت‌نام کرده بودند که بعد بمب بزرگ منفجر شد.»

این نویسنده با استناد به انگلیسی بودن نازنجک‌هایی که منفجر شده بود به نکات مهمی اشاره و اثبات می‌کند که انفجارها و خرابکاری‌ها را صهیونیست‌های افراطی علیه اعراب یهودی انجام می‌دادند. او نوشته: «۱۴ ژانویه ۱۹۵۱ ساعت ۷ بعدازظهر یک نازنجک دستی در حیاط بیرونی کنیسه مسعوده شمتاب که به عنوان مرکزی برای تجمع افرادی که اجازه خروج از کشور گرفته بودند، منفجر شد. آن نازنجک ساخته بریتانیا بود که در اختیار ارتش و پلیس قرار داشت. شاه‌آدم عینی گزارش دادند که نازنجک را مردی عرب شکل پرتاب کرد. نازنجک به یک کابل برق ولتاژ قوی برخورد کرد و منفجر شد، چهار یهودی را کشت و بیست نفر دیگر را زخمی کرد، چون نازنجک به طرف یک حیاط عقبی تقریباً خالی پرتاب شده بود. هدف آن احتمالاً ترساندن نو نه کشتن. اما برخورد آن با کابل فشار قوی باعث تلفات شد. حال هر



گروهی هم بر این عقیده بودند که ماجرا کار صهیونیسم زیرزمینی بوده است. هرچه بود، بار موشه تنجه گرفت که بمب کار خودشم نازنجک به طرف یک حیاط عقبی تقریباً خالی پرتاب شده بود. هدف آن احتمالاً ترساندن نو نه کشتن. اما برخورد آن با کابل فشار قوی باعث تلفات شد. حال هر

تاریخ‌نگار مدرن خاورمیانه از دانشگاه آکسفورد، خاطراتی اغلب مسحورکننده از دوران کودکی نویسنده در بغداد است؛ روایتی گیرا که دنیای گمشده در عراق را به شیوه‌ای درخشان زنده کرده است.» یوجین روگان، نویسنده کتاب «اعراب» هم آن را داستان زندگی جذابی دانست که خواننده را مجبور می‌کند سه دنیای بسیار متفاوت: عراق، اسرائیل و بریتانیا را در دهه‌های میانی قرن بیستم دوباره مورد واکاوی قرار دهد. نگاهی تأمل‌برانگیز به سیاست‌های هویتی اعراب-یهودی توسط روشنفکر برجسته بریتانیایی. موشه ماچور ریاضیدان، فیلسوف و فعال سوسیالیست که به خاطر نوشته‌هایش علیه صهیونیسم مشهور است، می‌گوید: «این خاطرات، روایتی شخصی و جذاب همچنین تأملی نافذ از نگاه یک مورخ برجسته درباره مصایب و بدبختی‌های دیگر قربانیان صهیونیسم است؛ یعنی یهودیانی که از سرزمین‌های عربی قدیمی خود که در آن به خوبی ادغام شده بودند، به اسرائیل منتقل شدند تا به عنوان طبقه‌ای فرودست و ملت مهاجر عربی به صهیونیسم خدمت کنند.»

الا شوهارت نویسنده کتاب «درباره یهودیان عرب فلسطین و جابه‌جایی‌های دیگر» درباره «۲ دنیا» می‌گوید: «این روایت خوداگی که در عراق، اسرائیل و بریتانیا اتفاق افتاده، روایتی تاریخی و دقیق از یهودیان عراقی است که شرایط فاجعه‌باری را گذراندند.» محقق برجسته در حوزه درگیری اعراب و اسرائیل، نگاهی شخصی و ارزنمند به گذشته‌ای می‌اندازد که یهودیان عرب در آن نقشی برجسته ایفا می‌کنند. او تصویری ظرف‌تر و چندلایه‌تر از اشغال و تقسیم فلسطین و پیامدهای آن ارائه می‌دهد.

جاستین ماروتسی نویسنده کتاب «زندگی پرماجرایی تیمور جهان گشا» در هفته‌نامه بریتانیایی اسپکتاتور نوشت: «۴ دنیا» قلمی زیبا و هنرمندانه مسائل شخصی را با مسائل سیاسی در هم آمیزد و از برخی وقایع تاریخی معارانه بر می‌دارد. بنی موریس، مورخ اسرائیلی و نویسنده کتاب «سدینی رابلی: استاد جاسوسی» در مجله «تبلت» نوشت: «شلایم با روایت ریشه‌ها و تجربه‌های میزراحی [عرب‌های یهودی/یهودیان خاورمیانه]، شور و هیجان خالص ایجاد می‌کند. داستان شخصی او تأثیرگذار است و با صراحتی غیرمعمول و جذاب روایت می‌شود. «سه دنیا» مانند هر آنچه شلایم می‌نویسد، بسیار خواندنی است.» هفته‌نامه تجاری «پابلیشرز ویکلی» در آمریکا هم اثر شلایم را چنین نقد کرد: «در این روایت دقیق و ظنبن‌انداز، مورخ شلایم پیچیدگی‌های بزرگ شدن به عنوان یک عرب یهودی در کشور عراق و اسرائیل را به خاطر می‌آورد و کسانی که به نگرش‌های گریزگین یهودیان نسبت به صهیونیسم علاقه‌مند هستند، این کتاب را بسیار روشن‌گرانه و شفاف ارزیابی خواهند کرد.» مجله ادبی «کرکاس» هم این کتاب را دقیق و به دور از عناد و سختگیری، واقع‌گرایانه دانست. همچنین مجله تبلت آن را روایتی شجاعانه و آموزنده خواند که به خوبی به رشته تحریر در آمده و نگاهی گیرا و دقیق به دنیایی فراموش شده می‌اندازد. سایت «میدل ایست آی» هم آن را اثری شفاف و خاطراتی درخشان خواند که به خوانندگان فرصت تجسم دوباره زندگی‌هایی را می‌دهد که تحت سلطه و زور اعراب، فریب‌کاری و طرد شدن بنا شده است. «تایمز اسرائیل» هم در نقد این اثر نوشت: «کتاب جذاب است که سرزمین مادری خود را تحت فشار و ارباب ترک کرده است. او با نگاهی پرشور به جامعه یهودی گمشده در عراق به نقدی گزنده علیه صهیونیسم و اسرائیل پرداخته است.»



به نوشته آوی شلایم وقتی یهودیان عراقی به اسرائیل گریختند، با آینده‌ای نامعلوم مواجه شدند و تاریخ برای خوش خدمتی به صهیونیست‌ها روایتی تحریف شده را بازنویسی کرد. قطعاً کتاب خاطرات شلایم جانی دوباره به دنیایی تقریباً فراموش شده می‌بخشد

آوی شلایم سال ۱۹۴۵ در بغداد متولد و در سرزمین‌های اشغالی بزرگ شد. او عضو بازنشسته کالج سنت آنتونی و استاد بازنشسته روابط بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد است. کتاب‌های قبلی او شامل کتاب تحسین‌شده «دیوار آهتین»، «اسرائیل و فلسطین: ارزیابی‌های مجدد، تجدید نظر‌ها، تکذیبیه‌ها»، «جنگ و صلح در خاورمیانه: تاریخچه‌ای مختصر»، «شیر اردن: زندگی ملک حسین در جنگ و صلح»، «نسل‌کشی در غزه: جنگ طولانی اسرائیل علیه فلسطین» و «تثانی در آن سوی اردن: ملک عبدالله، جنبش صهیونیستی و تقسیم فلسطین» است. او مرتباً برای «گاردین»، «میدل ایست آی» و سایر رسانه‌ها می‌نویسد. شلایم در کالج عیسی، در کمبریج تاریخ خواند و مدرک کارشناسی ارشد (اقتصاد) در روابط بین‌الملل را از مدرسه اقتصاد لندن دریافت کرد. سپس مدرس و استاد علوم سیاسی در دانشگاه ریدینگ شد. از علایق پژوهشی او می‌توان به جنگ‌های داخلی، مدیریت منازعه، سیاست خارجی و دیپلماسی، روابط بین‌الملل، امنیت، پناهندگان و مهاجرت اشاره کرد.

آوی شلایم، نویسنده و مورخ درباره اثرش «۳ دنیا» و خاطرات خود در گفت‌وگویی با مورخ آمریکایی، یوجین روگان که توسط روزنامه «نیو ایندین اکسپرس» منتشر شد، توضیح می‌دهد چگونه روایتی عمیقاً شخصی و تأثیرگذار از جامعه یهودیانی ارائه داده که زمانی در عراق سرمایه‌دار و ثروتمند بودند. او از عراق و خاطرات خوش کودکی‌اش به عنوان خانه‌ای یاد می‌کند که پنج سال اول زندگی‌اش بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ را در آن گذراند. شلایم در این گفت‌وگو عنوان کرد: «قبل از سال ۱۹۴۸، یک جامعه یهودی پررونق در کشورهای خاورمیانه مانند ایران، مصر، عراق و شمال آفریقا وجود داشت. بویژه در عراق، جامعه یهودی به خوبی در جامعه عراق ادغام شده بود و حتی با مردم محلی پیوندهای عمیق و نزدیکی داشت. من و خانواده‌ام در میان احترام و تسامح مذهبی رایج نسبت به همه اقلیت‌ها، زندگی بسیار راحتی داشتیم. بهترین خاطرات من مربوط به زمانی است که شب‌ها زیر آسمان پرستاره روی پشت بام یا روی تختخوابم در باغ‌مان می‌خوابیدم و از ضیافت‌ها لذت می‌بردیم.»

دنیای شلایم پس از فرهود؛ یک برنامه ضد یهودی در بغداد در سال ۱۹۴۱ تغییر کرد. (الفرهود به آزار خشونت‌بار علیه یهودی‌های ساکن بغداد در او ۲ ژوئن ۱۹۴۱ بافاصله پس از پیروزی بریتانیا در نبرد عراق و انگلستان اشاره دارد. چرا که عراقی‌ها معتقد بودند یهودی‌ها به بریتانیا کمک کردند.) نویسنده با یادآوری دوره‌ای از زندگی‌اش که پس از بخش این برنامه چطور متلاشی شده به روگان گفت: «این برنامه منجر به حمله به جامعه یهودیان، قتل، غارت و تخریب خانه‌ها و مشاغل آنان شد. ما در بد مخمسه‌ای گیر افتادیم. بسیاری از خانواده‌های یهودی دوستان مسلمان خود را در بغداد از دست دادند و مجبور به فرار شدند.»

صهیونیسم با راه‌اندازی جنبشی برای «تأسیس مجدد ملت یهود» از طریق اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، از آوارگی یهودیان عرب نقش بسزایی داشت. این نویسنده به حمایت ویژه صهیونیسم از یهودیان اروپایی و بی‌احترامی به اعراب یهودی اشاره کرده است: «یهودیان عراقی مثل ما که خودمان را عرب می‌دانستیم، هویت متمایزی داشتند. وقتی مجبور شدیم از بغداد فرار کنیم و در سرزمین اشغالی (کشور جدید اسرائیل) ساکونت کنیم، احساس می‌کردیم مثل درختی هستیم که از ریشه بریده شده‌ایم. آن زمان، بسیاری از یهودیانی که از کشورهای عربی به اسرائیل می‌آمدند، در فرودگاه، به عنوان بخشی از مراحل ضدعقونی، از سر تا پای ما با مواد شیمیایی همچون سم DDT اسپری می‌شدیم. این رفتارها منجر به شکل گرفتن احساساتی خشونت‌آمیز و غیرانسانی علیه این مردم در اسرائیل شد. من خودم به عنوان یک عراقی یهودی که در دهه ۱۹۵۰ در اسرائیل زندگی می‌کرد، احساس حقارت شدیدی داشتم.»

او در ادامه گفت‌وگو به روگان گفت آن زمان در حالی که خانواده‌اش سختی‌های زیادی را برای بقا تحمل می‌کردند، پدرش از ناامیدی و افسردگی کاملاً در لاک خود فرو رفته و ساکت بود. او با یادآوری سخنان مادرش سعیده شلایم افزود: «مادرم مقاوم ماند. او به عنوان یک تلفنچی مشغول به کار شد و وقتی پدرم کسب و کار و ترورش را از دست داد، مادرم تنها نان‌آور خانواده شد و در حالی که امیدواری ما برای بقا دشوار به نظر می‌رسید، او امید خود را کاملاً حفظ می‌کرد.» با وجود سال‌ها خشونت، بحران‌های حل نشده و مناقشه بی‌پایان اسرائیل، اما شلایم هنوز به آینده‌ای بهتر امیدوار است.



آوی شلایم در فصل «داغ بغداد» پرده از تحقیقاتی بر می‌دارد که نشان می‌دهد خرابکاری‌ها و بمب‌گذاری‌هایی مهاجرت یهودیان از بغداد از یهودیان عراقی یهودی به فلسطین این پرسش‌ها را مطرح می‌کند: «این که پنج بمب در برانگیختن عراقی‌های یهودی به مهاجرت به اسرائیل نقش داشت محل تردید نیست اما سؤال بزرگ این است که چه کسی بمب‌ها را کار گذاشت؟ شواهدی که به دست آوردم پاسخی نسبی به این پرسش می‌دهد، سه بمب از پنج بمب کار صهیونیسم زیرزمینی در بغداد بودند. البته اسرائیلی‌ها قطعاً این اتهام را رد می‌کردند. در رأس این تکذیب‌کنندگان شلومو یهودا فردخای بن پورات بودند که هر دو در بغداد متولد شده و در دهه ۱۹۳۰ به فلسطین رفته بودند. آنها در رژیم اسرائیل به مقام رسیدند و چند دوره عضو کنست پارلمان اسرائیل بودند. به نظر من، ممکن است آنها که در سال‌های مورد بحث از طرف موساد به عراق آمدند مستقیماً در بمب‌اندازی‌ها شرکت نداشتند. ولی با توجه به سمت‌های مدیریتی آنها در صهیونیسم زیرزمینی خیلی بعید است که در برنامه‌های بمب‌اندازی

کرد و بعد این نظر را مطرح ساخت که یهودیان عراقی را به اسرائیل نفی بلد یا اینکه آنها را با تعدادی برابر با ۲۰ فلسطینی آواره مبادله کنند.»

شلایم در ادامه کشتن پنج یهودی به فلسطین هدف کشتاندن اعراب یهودی به فلسطین این پرسش‌ها را مطرح می‌کند: «این که پنج بمب در برانگیختن عراقی‌های یهودی به مهاجرت به اسرائیل نقش داشت محل تردید نیست اما سؤال بزرگ این است که چه کسی بمب‌ها را کار گذاشت؟ شواهدی که به دست آوردم پاسخی نسبی به این پرسش می‌دهد، سه بمب از پنج بمب کار صهیونیسم زیرزمینی در بغداد بودند. البته اسرائیلی‌ها قطعاً این اتهام را رد می‌کردند. در رأس این تکذیب‌کنندگان شلومو یهودا فردخای بن پورات بودند که هر دو در بغداد متولد شده و در دهه ۱۹۳۰ به فلسطین رفته بودند. آنها در رژیم اسرائیل به مقام رسیدند و چند دوره عضو کنست پارلمان اسرائیل بودند. به نظر من، ممکن است آنها که در سال‌های مورد بحث از طرف موساد به عراق آمدند مستقیماً در بمب‌اندازی‌ها شرکت نداشتند. ولی با توجه به سمت‌های مدیریتی آنها در صهیونیسم زیرزمینی خیلی بعید است که در برنامه‌های بمب‌اندازی

بی‌خبر بوده باشند.»

